

واقع بینی حزب ما به شهادت اسناد

احکام ثانویه

«... به منظور خروج از بن بست فوق (یعنی تصویب لوایح در مجلس و رد آن در شورای نگهبان) امام راحل مجوز استفاده از احکام ثانویه را به مجلس شورای اسلامی دادند. براساس این مجوز قانونی که از نظر شورای نگهبان در چارچوب احکام اولیه قرار نمی گرفتند، در صورتیکه دو سوم نمایندگان مجلس "ضرورت" آن را تشخیص می دادند احتیاج به تصویب شورای نگهبان نداشته و قابل اجرا می شد.»

"راه توده": (در این دوران اکثریت مجلس در اختیار نیروهای چپ مذهبی بود و اقلیت طرفدار سرمایه داری نیز از بیم آیت الله خمینی بر مواضع خود چندان پافشاری نمی کردند. ناطق نوری که اکنون رئیس مجلس و کاندیدای ریاست جمهوری از طرف مولفان اسلامی است بر سر مخالف خوانی با همین احکام آیت الله خمینی یک بار در مجلس اسلامی به شدت زیر فشار قرار گرفت و به دنبال آن نیز برای مدتی به عقب رانده شد. مقام رهبری کنونی جمهوری اسلامی "علی خامنه ای" نیز یکبار مسئله احکام ثانویه را از موضع مخالفت در نماز جمعه خود مطرح کرد که با تذکر علنی و تند آیت الله خمینی این موضع گیری خود را پس گرفت. بخشی از اختلافات میرحسین موسوی و علی خامنه ای در دوران نخست وزیر میرحسین موسوی و ریاست جمهوری علی خامنه ای به همین جدال طبقاتی پشت صحنه برای سمت گیری اقتصادی کشور باز می گردد. آنچه را که اکنون مولفان اسلامی بعنوان اختلافات میرحسین موسوی و علی خامنه ای مطرح کرده و موسوی را ناهمخوان با مقام ولایت فقیه اعلام می دارد، متکی به مسائل همین دوران است.)

بازگردیم به اسناد منتشره در "عصرما" و نامه ای که امامی کاشانی، دبیر کنونی شورای نگهبان، در زمان حیات آیت الله خمینی و در مخالفت شورای نگهبان با فتوای او درباره احکام ثانویه، خطا به نوبی می نویسد: «...استظهار می شود، موضوعاتی که ضرورت آن بوسیله مجلس مشخص می شود، مادام که موضوع محقق است رفع ید از حکم اولی می شود...علیهذا در مورد ملک مشروع اشخاص بعنوان ثانوی، تجویز تصرفات غیر مالک شرعی و الزام به اجاره یا مزارعه تا ضرورت باقی است، مشمول این فرمان می شود ولی تصرفات مالکانه و فروش ملک غیر، چون بقاء موضوع ضرورت که در فرمان مصرح است در آن منتهی است شامل نمی شود، استدعا داریم نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید. امامی کاشانی»

"عصر ما" اضافه می کند: این استفساریه دو موضوع مهم را منعکس می کند: اول تردید در مورد انتقال مالکیت دائمی به غیر با استفاده از احکام ثانویه، دوم احساس تکلیف شورای محترم نگهبان در مورد دخالت در قوانینی که با استفاده از احکام ثانویه به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسید.

امام خمینی هر دو موضوع را منتهی دانستند و مرحوم حاج سید احمد آقا خمینی در پاسخ به تلفنگرام مذکور می نویسد:

«حضرت امام فرمودند: «من قبلاً گفته ام در صورتیکه دو سوم نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ضرورتی را تشخیص داد احتیاج به تصویب و یا رد آن شورای محترم را ندارد، لذا در هر مورد احتیاج به سؤال نیست، چرا که من در هر مورد نظر مثبت و یا منفی ندارم. شما آقایان بر طبق آنچه قبلاً گفته ام عمل نمائید.»

"عصرما" می نویسد: (مجوز امام به مجلس شورای اسلامی در مورد استفاده از احکام ثانویه و تاکید دوباره ایشان و رهنمودهای خاص آن حضرت نتوانست چنان مورد استفاده قرار گیرد که مشکل قانونگذاری را به طور کلی حل کند، و شروطی که بعداً برای استفاده از احکام ثانویه مقرر شد...اعتبار اجرائی برخی قوانین مهم را متزلزل کرده و قدرت برنامه ریزی میان مدت و دراز مدت را از مشمولین چنین قوانینی سلب می کرد.)

"راه توده": این جنگ و ستیز بر سر نظام اقتصادی جمهوری اسلامی، که در همان دوران ارگان های مطبوعاتی حزب توده ایران بدقت آنها را پیگیری کرده و ضمن افشا کردن دقیق آنچه در پشت صحنه می گذشت، نظرات خود را پیرامون آنها اعلام می داشت، در جریان تصویب قانون "کار" بیش از هر حادثه و رویداد دیگری خود را نشان داد. در جریان تهیه و تصویب قانون "کار"، حزب ما، حتی برای یک روز از توطئه های پشت پرده برای پایمال ساختن حق مشروع کارگران و زمتکشان ایران غفلت نکرد و همزمان با انواع یورش های تبلیغاتی گرایش های راست و ارتجاعی در حکومت به حزب ما، به این وظیفه تاریخی خود عمل کرد. همه کسانی که آن سال ها و آن رویدادها را بخاطر دارند، شاهد این به جان کوشی حزب ما و انواع یورش ها برای بستن دهان آن می باشند. حال ببینیم "عصرما" با استفاده از اسناد و مدارک، این جنگ و ستیز طبقاتی را که در پشت صحنه جریان داشت و سرانجام حدود سه سال پس از یورش به حزب توده ایران منجر به تصویب قانون کار شد، چگونه منتشر می کند. عصرما

درسال های اخیر و بدنبال تشدید فعالیت برخی تشکل های آرمان گرای اسلامی در داخل کشور، اطلاعات بسیار با ارزشی پیرامون نبرد پشت پرده سال های اولیه پیروزی انقلاب انتشار یافته است. در جریان همین افشاکری، مشخص شد که در ترکیب رهبری حزب جمهوری اسلامی سه جریان وابسته به سه تفکر اقتصادی و سیاسی بی وقفه با یکدیگر در نبرد بوده اند و سرانجام این نبرد انحلال حزب مذکور بوده است. همین نبرد در ترکیب رهبری "روحانیت مبارز تهران" وجود داشت که سرانجام منجر به انشعاب در آن شد و مجمع روحانیون مبارز استقلال خود را از آن اعلام داشت. این نبرد در مجلس اسلامی، مجلس خبرگان، مجلس اسلامی، دولت، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نیز جریان داشته و پیامدهای خود را نیز به همراه داشته است. حزب توده ایران، از ابتدای پیروزی انقلاب، این نبرد را بدقت تشخیص داده و آنرا "نبرد که بر که" در جمهوری اسلامی اعلام داشت. این نبرد بین این روحانی با آن روحانی و یا بین این مکلا و آن مکلا و بر سر ریش و حساب و ... جریان نداشت و ندارد، بلکه بر سر اساسی ترین تصمیمات اقتصادی که نظام اقتصادی برآمده از انقلاب ۵۷ را شکل می داد و می دهد جریان داشته و دارد. این نکته باید برای بسیاری از نیروهای وابسته به جریانات چپ ایران و آنانی که نبرد طبقاتی در جمهوری اسلامی را انکار می کنند، باید بسیار درس آموز باشد. برای آنها، که اکنون و پس از رویدادهای سال های اخیر، تشریندی ها و جناح بندی ها را در جمهوری اسلامی، نبردی برای غلبه دین بر دولت و تشکیل دولت دینی (نگاه کنید به بررسی سخنرانی فرخ نگهدار در همین شماره راه توده) تشخیص داده اند و یا کسانی که نبرد اساسی را در جمهوری اسلامی بین طرفداران "ولایت فقیه" و مخالفان آن تشخیص داده اند!

همه این افشاکری ها و اسناد و مدارکی که از بایگانی ها بیرون آمده نشان می دهد که جناح بندی های کنونی در جمهوری اسلامی نیز ریشه در کجا دارد و یورش به میرحسین موسوی برای جلوگیری از کاندیداتوری وی برای انتخابات ریاست جمهوری از کدام ناحیه و با چه اهدافی انجام می شود. براساس همین اسناد و مدارک باید حمایت همه جانبه ارتجاعی ترین جناح های روحانیون حاکم و حزب بازاری ها و تجار بزرگ "مولفان اسلامی" از "ولایت مطلقه فقیه" را تحلیل و ارزیابی کرد.

آخرین مراجعه به اسناد و مدارک، که در داخل کشور و از سوی نشریه "عصرما"، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی انجام شده، شامل نامه های شورای نگهبان و نخست وزیر وقت "میرحسین موسوی" به آیت الله خمینی می باشد، و کسب تکلیف در نزاعی، که بین شورای نگهبان قانون اساسی و دولت، بر سر سمت گیری اقتصادی کشور جریان داشته است. بسیار جالب است که دبیر کنونی شورای نگهبان، یعنی امامی کاشانی، که حالا از طرفداران ولایت مطلقه فقیه است، در زمان حیات آیت الله خمینی، چگونه در برابر فتوای مذهبی او برای کنترل و محدود ساختن بخش خصوصی موضع می گرفته است. البته او به نمایندگی از تمام اعضای شورای نگهبان نامه هایش را می نویسد. ترکیب کنونی شورای نگهبان نیز در اکثریت خود همان است که در زمان آیت الله خمینی بود، به همین دلیل باید دید چه مسیری در اقتصاد کشور طی شده و می شود، که آنها اینگونه طرفدار ادامه مطلقه آن می باشند؟

آنچه را در زیر می خوانید، برگرفته شده از آخرین شماره نشریه "عصرما" (۷ آذر ۷۵) است و مضمون نامه نگاری ها و مخالفت ها، باز می گردد به حمایت آیت الله خمینی از احکام ثانویه و مقاومت شورای نگهبان در برابر آن و به طرفداری از بازار و سرمایه داری تجاری و زمینداران! فتوای استفاده از احکام ثانویه، راه گریز مذهبی و فقهی بود که آیت الله خمینی برای دفع مخالفان مذهبی تقویت اقتصاد دولتی بدان متوسل شده بود. هر دو، یعنی هم آیت الله خمینی، که مرجع اعلم تقلید و ولی فقیه منتخب مردم بود، و هم فقهای شورای نگهبان به اسلام و فقه با دو دیدگاه نگاه می کردند و استدلال های خود را نیز متکی به همین برداشت ها برای یکدیگر طرح می کردند.

عصرما، نامه های دو طرف را اینگونه انتشار داده است:

درباره قانون کار، نظرات شورای نگهبان و ارتجاع مذهبی و سرمایه داری پناه گرفته در پشت این دو سنگر را در ارتباط با این قانون چنین می نویسد:

«...پیش نویس قانون کار سرانجام تصویب شد، اما برای محکم کاری و جلوگیری از رد آن در شورای نگهبان، مجوز امام راحل را نیز در این زمینه همراه داشت. متن این مجوز در نامه ای که نخست وزیر (میرحسین موسوی) در تاریخ ۲۶ فروردین ۶۴ به وزیر کار نوشته است به شرح زیر منعکس شده است:

برادر سرحدی زاده- وزیر کار و امور اجتماعی:

بندهای گفتگو با برادر دکتر حبیبی درباره قانون کار، مشکل عدم جواز شرعی برای قبولاندن بعضی از مواد این قانون به صاحبان صنایع مطرح شد، مشکل توسط حاج سید احمد خمینی به استحضار امام است منند ظله العالی رسید و ایشان فرمودند: «دولت می تواند در مقابل رعایت شرایط خود و قانون، مواد اولیه و یا سایر امکانات متعلق به خود را به صاحبان صنایع بدهد و بزعمش در صورت عدم قبول شرایط آمده در قانون از سوی صاحبان صنایع، می تواند مواد اولیه و یا سایر امکانات متعلق به دولت را در اختیار آنها قرار دهد.» فلذا قانون تدوین شده به نظر می آید از این نظر اشکالی نداشته باشد.

عصر ما" اضافه می کند: لایحه قانون کار با این پشتوانه به شورای محترم نگهبان تقدیم شد و امید زیادی به تصویب آن وجود داشت، اما متأسفانه در جریان بررسی قانون در شورای نگهبان، دولت و مجلس متوجه شدند که شورای مزبور فتوای امام را صرفاً شامل واحدهای تولیدی و خدماتی می داند که از تاریخ تصویب قانون کار جدید تاسیس می گردند. چنین تلقی ای از قانون به معنای آن بود که قانون کار بر واحدهای تولیدی و خدماتی حاکم نبوده و روابط بین کارگر و کارفرما در این واحدها می تواند بر اساس توافق و تراضی طرفین صورت گیرد. برای اینکه شبهه شورای نگهبان بر طرف شود استفساریه جدیدی در تاریخ سوم آذر ماه ۱۳۶۶ ("راه توده": توجه شود که شورای نگهبان چگونه تصویب این قانون را به امید تغییر شرایط و از جمله درگذشت آیت الله خمینی به تعویق می انداخت) از امام راحل به شرح زیر صورت گرفت:

«محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی... آیا می توان برای واحدهائی که از امکانات و خدمات دولتی و عمومی مانند آب، برق، تلفن، سوخت، ارز، مواد اولیه، بنر، جاده، اسکله، سیستم اداری، سیستم بانکی و غیره بنحوی از اثناء استفاده می نمایند، اعم از اینکه این استفاده از گذشته بوده و استمرار داشته باشد و یا به تازگی بعمل آید، در ازاء این استفاده شروطی الزامی را مقرر نمود؟ ابوالقاسم سرحدی زاده- وزیر کار و امور اجتماعی»

"عصر ما": امام خمینی در پاسخ سوال فوق مرقوم فرمودند: «در هر دو صورت چه گذشته و چه حال دولت می تواند شروط الزامی را مقرر نماید.» به نوشته نشریه "عصر ما" این بار دبیر شورای نگهبان "لطف ا لله صافی" شخصاً برای آیت الله خمینی نامه نوشته و مخالفت خود را با نظرات وی به شرح زیر اعلام می دارد:

«...در امور عامه و خدماتی که به دولت منحصر شده است، بعنوان شرط مقرر داشتن نظامات مختلف که قابل شمول نسبت به تمام موارد و ائتشار و اصناف و اشخاص است، موجب این نگرانی شده است که نظامات اسلام از "مزارعه"، "آجاره"، "تجارت"، "عائله" و سایر روابط بتدریج عملاً منع و در خطر تعویض و تغییر قرار بگیرد. خلاصه استظهار این اشخاص که می خواهند در برقرار کردن هرگونه نظام اجتماعی و اقتصادی این فتوا را مستمسک قرار دهند به نظر آنها باب عرضه هر نظام را مفتوح نموده است...»

"راه توده": این نامه "لطف ا لله صافی" با صراحت کامل دفاع از سرمایه داری، کوتاه ساختن دست دولت از امور خدماتی، سپردن اقتصاد کشور به بهانه مزارعه و آجاره و تجارت بدست بازار و سرمایه داری تجاری است. نامه حاوی نگرانی سرمایه داری بازار از روند اقتصادی در کشور و در حمایت شورای نگهبان از این سرمایه داری و زمینداران بزرگ است. آیت الله خمینی، که شورای نگهبان (طرفداران امروز ولایت مطلقه فقیه) به مخالفت با نظراتش ادامه می دهد، این بار در پاسخ به شورای نگهبان می نویسد:

«بسمه تعالی. دولت می تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شرط قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است...حضرات آقایان محترم به شایعاتی که از طرف استفاده جویان می بند و بار یا مخالفان یا نظام جمهوری اسلامی پخش می شود اعتنائی نکنند که شایعات در هر امری ممکن است.»

شورای نگهبان علیرغم این حکم، باز هم از مخالفت با آیت الله خمینی باز نایستاد و به نوشته "عصر ما" کار را به آنجا کشاندند که آیت الله خمینی طی نامه تندى در شانزدهم دیماه ۱۳۶۶ خطاب به ریاست جمهوری (علی خامنه ای)، که به نوعی نظرات شورای نگهبان را تائید می کرد، نوشت:

«حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسوا الله صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد در صورتی که دفع بطن تخریب نشود خراب کند. حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود یا مردم بسته است، در موقعی که آن قرار داد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند و می تواند هر امری را چه عبادی یا غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می تواند از حج که از فرایض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی است، جلوگیری کند. آنچه گفته شده است که شایع است مزارعه و مضاربه و امثال آنها با این اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می کنم که فرضاً چنین باشد، این از اختیارات حکومت است.»

عصر ما در تفسیر این حکم می نویسد: نامه امام راحل به ریاست محترم جمهوری به مثابه تیر خلاصی بر تفکر مبتنی بر آزادی مطلق روابط اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی تلقی شد. اما در عمل مشخص شد که معتقدین مذکور بر اعتقادات خود هنوز پای می فشرند. شورای محترم نگهبان نیز به دنبال این فتوا و نظرات امام پس از بررسی قانون کار در چارچوب همان احکام اولیه مورد نظر خود بیش از صد ماده از مجموع حدود ۲۰۰ ماده آن را خلاف شرع دانست.

عصر ما می افزاید: به منظور درک بیشتر معضل قانونگذاری بی مناسبت نیست که برخی از مواد قانون کار را که شورای نگهبان آنها را برخلاف شرع دانسته است عیناً نقل کنیم:

ماده ۵۱... کار کارگران در شبانه روز نباید از ۸ ساعت تجاوز نماید

ماده ۶۲... روز جمعه، روز تعطیلی هفتگی کارگران با استفاده از مزد می باشد.

ماده ۷۳... کلیه کارگران در موارد ذیل حق برخورداری از سه روز مرخصی با استفاده از مزد را دارند: ازدواج دائم، فوت همسر، پدر، مادر و فرزندان.

ماده ۷۹... به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال ممنوع است.

ماده ۱۵۵... کلیه کارگاه ها موظفند برحسب اعلام وزارت کار و امور اجتماعی و با نظرات این وزارت و سازمان های مسئول در امر سواد آموزی بزرگسالان، به ایجاد کلاس های سواد آموزی بپردازند.

ماده ۷۵... انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسائل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است.

جالب آنکه موارد فوق جزو حداقل حقوقی است که از حدود یک صدسال پیش تاکنون برای کارگران جهان در نظر گرفته شده است.

"راه توده": عصر ما، سپس به موارد دیگر مقاومت شورای نگهبان در برابر نظرات آیت الله خمینی اشاره می کند و از جمله مورد نرخ گذاری، کنترل قیمت ها و... را بر می شمارد و در پایان و در مخالفت با تلاشی که جناح راست موجود در مجلس پنجم برای انحلال "شورای مصلحت نظام" به کار گرفته است، از این شورا بعنوان مرجعی یاد می کند که با توجه به اختلافات مجلس و شورای نگهبان تشکیل شد و در زمان خود گشایند بسیاری از مشکلات بود. ظاهراً شورای نگهبان برای حاکمیت مطلق خود، در نظر دارد با استفاده از اکثریت شکننده کنونی جناح راست در مجلس اسلامی، این شورا را منحل کرده و به یک تازی هائی که حتی در زمان حیات آیت الله خمینی نیز از آن دست برداشت، ادامه بدهد.

حتی همین مجموعه مختصر اسناد و مدارک نه تنها تائید کننده دیدگاه حزب ما در باره حاکمیت در جمهوری اسلامی در سال های نخست پیروزی انقلاب، نبرد که بر که در حکومت برآمده از انقلاب ۵۷ است، بلکه نشان می دهد، که اکنون نیز همان نبرد، به اشکال دیگر و با توجه به شرایط نوین همچنان ادامه دارد. بنابراین آنها که جناح بندی و قشر بندی در جمهوری اسلامی را ندیده می گیرند و از سیاست "تحریم انقلابی پیروی می کنند، در حقیقت خود را از این نبرد، که بازتاب نبرد کلی در جامعه است، کنار کشیده و منزوی می سازند. دفاع از حقانیت مشی و سیاست حزب توده ایران و مقابله با تبلیغات دشمنان و مخالفان تاریخی و طبقاتی حزب ما نیز از جمله درگرو توجه به همین اسناد، روشنگری پیرامون آنها و دفاع از نقش تاریخی است که حزب ما در جریان انقلاب و سال های پس از پیروزی آن ایفاء کرد!